



# عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

Jonathan Sacks  
THE RABBI SACKS LEGACY

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نکوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توراہ ربای خیم شیمیل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توراہ، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آن در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۲۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

## تفسیر هفتگی توراہ

What Counts?

Naso

ناسو: چه چیز اهمیت دارد؟

پاراشای این هفته با ادامه سرشماری آغاز شده در هفته پیش شروع می شود - کاری که نام آن به زبان انگلیسی را تعیین کرده است: کتاب اعداد. دو چیز اما مبهم هستند. اولی روایت عمل سرشماری مردم است. سنت تلمودی دو رفتار بسیار متفاوت و آشکارا متناقض در برابر کار سرشماری در پیش می گیرد.

راشی می گوید که این نخستین باری نیست که مردم سرشماری شدند. آنها (ششصد هزار مرد به اضافه ی زنان و مردان) هنگام آماده شدن برای خروج از مصر سرشماری شده بودند (خروج ۱۲:۳۷). محاسبه ای دقیقتر انجام شد وقتی که افراد مذکر بالغ هر یک نیم شکل برای ساختن محراب دادند (مجموع ۶۰۳،۵۵۰؛ خروج ۳۸:۲۶). اینک سومین شمارش در جریان بود.

چرا تکرار محاسبه؟ راشی پاسخی ساده و تأثیر گزار می دهد:

چون آنها (بنی اسرائیل) نزد خدا عزیز هستند، خدا زود به زود آنها را می شمارد. خدا آنها را هنگام ترک مصر شمارش کرد. پس از ماجرای گوساله‌ی طلایی برای شمارش افراد باقیمانده، سرشماری کرد. و اینکه که خدا می خواست جلال خود را در میان آنها ساکن کند (با افتتاح محراب)، دوباره آنها را سرشماری کرد. راشی در بمیدبار ۱:۱

از دید راشی شمارش مردم یک خواست الهی بود. اما در جای دیگر این گونه احساس نمی کنیم. برعکس، توره سرشماری را عمیقاً خطرناک می داند:

سپس خدا به موسی گفت: "وقتی سرشماری از بنی اسرائیل می کنید تا آنها را شمارش کنید، هر یک باید به خدا خونبهایی برای زندگی خود در زمان سرشماری پردازد. آنگاه دچار هیچ بلایی هنگام شمارش نخواهید شد. خروج ۱۱-۱۲: ۳۰

قرن ها بعد، وقتی داوود پادشاه مردم را سرشماری کرد، لحظه ای از خشم الهی رخ داد و طی آن ۷۰ هزار نفر مردند. آشتی دادن این دو دیدگاه که سرشماری عملی از سر عشق است یا خطری بزرگ دربردارد، سخت به نظر می رسد. منبع دوم ابهام، در عبارتی است که تورات برای توصیف عمل سرشماری به کار می برد: *naso/se'u et rosh* به معنای لفظی "بالاگرفتن سر". در زبان عبری کلاسیک چندین فعل هست برای بیان عمل سرشماری: *limnot*, *lifkod*, *lispor*, *lachshov*. چرا در کتاب های خروج و اعداد، تورات به اصطلاح عجیب "بالاگرفتن سر" بنی اسرائیل روی آورده است؟

برای درک انقلابی که زبان عبری توراتی در دنیا پدید آورد، ابتدا باید به صورت تخیلی به پیامدهای زایش تمدن برای بشریت پردازیم. در جوامع گردآورنده/شکارچی اولیه، مردم در گروه های کوچک با هم می زیستند. در آن زمان، نه شهری بود و نه کشوری و نه تراکم جمعیتی. تورات، ساخت نخستین شهر را به قایل نسبت می دهد (پیدایش ۴:۱۷). شهرها با زایش کشاورزی در دشت های حاصلخیز میانرودان بین رودهای دجله و فرات و دلتای بارور نیل پدید آمدند. دو بار در سفر پیدایش، تورات تصویری از فرهنگ شهری به دست می دهد: اولی، برج بابل و دومی، مصر که یوسف به آن به بردگی برده شد. آنها هر دو روایت هایی بسیار مهم هستند. در بابل جان انسان بی ارزش بود (هنگام ساختن برج بابل اگر فردی می افتاد و می مرد، هیچکس متوجه نمی شد، اما اگر یک آجر می افتاد، گریه می

کردند.) در مصر جمعیت های بسیار از آن جمله سرانجام بنی اسرائیل را به کار اجباری برای ساختن اهرام، معابد و بناهای باشکوهی که بسیار از آنها امروز باقی هستند، گرفته شدند.

تولد کشاورزی و رشد شهرها پیامدهای اجتماعی عظیمی داشت. برای نخستین بار، مازاد محول گندم، ممکن و به صورت پول قابل انباشتن شد (در ابتدا فلزات گرانبها چون نقره و طلا). همین گونه نیز با گسترش جمعیت و تقسیم کار، طبقات اجتماعی شکل گرفتند. نابرابری که عمیقاً گسترده و نظام مند شد، به یکی از ویژگی های جهانشمول جوامع اولیه تبدیل شد. در بالا پادشاه، امپراتور یا فرعون بود که همسان با خدا یا فرزند خدایان دانسته می شد و تمرکز انبوه قدرت را در دست داشت. در زیر جایگاه او انواع امتیاز وجود داشت: حلقه های دربار، امیران نظامی، دیوان سالاران و کاهنان. توده ی مردم - تهیدست، بیسواد و فرسوده به صورت سپاهی یا کارگران اجباری در قالب توده و بر اساس شمار خود اهمیت داشتند. اهمیت سرشماری در دنیای مدرن از اینجا برمی خیزد (و در این زمینه از آن زمان تا کنون تغییر چندانی صورت نگرفته است). در اقتصاد و امور نظامی، مقدار یعنی قدرت. شمارش جمعیت، به حاکمان پیرامون اندازه ی سپاهیان که می توانستند اداره کنند، یا درآمدی که با مالیات می اندوختند، اطلاعات می داد.

دین اسرائیل، اعتراضی است علیه این رویکرد به شرایط انسانی در قلمروهای نظامی، سیاسی و اقتصادی. از این فاصله ی زمانی به دشواری می توان به طور کامل اهمیت نوآوری مهم و توان دگرگونی مجموعه اندیشه های تولید شده در یک وحی یگانه را دریابیم: این که فرد انسان از زن و مرد، فقیر و غنی، با قدرت و بی قدرت را آفریده شده به تصویر و شباهت خدا و در نتیجه، خدشه ناپذیر و قیمت ناپذیر می داند. ما هر یک به تساوی به صورت و شباهت خدا آفریده شده ایم، بنابر این، در حضور خدا به تساوی می ایستیم. بیشتر تورات، تاریخ یهود و گسترش تمدن غربی، برگردان تدریجی این ایده در ساختن نهادها، ساختارهای اجتماعی و قوانین اخلاق است.

اینک روشن می شود که چرا سرشماری کردن همراه با مخاطره است. شمارش مردم قویترین نماد بشریت به عنوان توده ای از مردم و جامعه ای است که در آن فرد به خاطر خودش ارزش نمی گیرد، بلکه به عنوان یک کلیت که قدرتش در اعداد آن است، ارزشمند می شود. این دقیقاً چیزی است که یهودیت قبول ندارد. خدای اسرائیل که خدای سراسر بشریت است، حضور خود را در میان مردمی ساکن می کند که قدرت آنها هیچ ربطی به اعداد ندارد: مردمی که هرگز نمی خواهند امپراتوری بشوند، به او هرگز دستور انجام جنگ های مقدس جهت تغییر دین دادن جمعیت ها

داده نشده و هم از نظر مطلق و هم نسبی در قیاس با امپراتوری های پیرامون خود، کوچک است، و در شاهراه آسیب پذیر میان سه قاره قرار دارد.

به هر دو پرسشی که با آن آغاز کردیم، پاسخ داده شد. میان انسان سرشماری و انسانی که از سوی خدا دستور می گیرد، فرق هست. سرشماری داوود یک سرشماری انسانی بود. پادشاه دوم اسرائیل [داوود] بنیان یک ملت را ریخت. او جنگ های موفق انجام داد، قبیله ها را با هم متحد کرد و اورشلیم را پایتخت ساخت. اندکی پس از مرگ او اسرائیل به اوج قدرت در خاورمیانه رسید. با پادشاهی سلیمان از راه اتحادهای استراتژیک، اسرائیل به مرکز تجارت و علم تبدیل شد. معبد ساخته شد. در آن زمان باید این گونه تصور می شد که اسرائیل گویی پس از قرن های بسیار سرگردانی و جنگ به قدرتی بی رقیب تبدیل شد. اما بیدرنگ پس از حکومت سلیمان، پادشاهی یهود دوباره شد و از آن زمان به بعد سرنوشت اینجهانی آن مَهر شد. تاریخ شکست ها، تبعیدها و ویرانی هایی آغاز شد که هیچ همسانی در تاریخ هیچ ملت دیگری ندارند. تورات اشتباه نمی کند در تشخیص آغازگاه این سقوط در لحظه ای که داوود مانند هر پادشاه دیگر دستور به سرشماری داد.

یک سرشماری الهی به گونه ای متفاوت بیان می شود. کاری با ارقام نیرومند ندارد. باید برعکس، به هر یک از اعضای ملت نشان دهد که او اهمیت دارد؛ هر شخص، خانواده و خانه نزد خدا عزیز است؛ تفاوت میان بزرگ و کوچک، حاکم و رعیت، رهبر و پیرو، مطرح نیست؛ و ما هر یک به تصویر خدا آفریده شده ایم و موضوع عشق او هستیم. یک سرشماری الهی به قول راشی، عملی است برای عزیز داشتن. از این روی نمی توان آنرا با افعال معمول برای شمارش مانند *limnot, lifkod, lispor, lachshov* بیان کرد. تنها عبارت *nasose'u et rosh* "بالاگرفتن سر" برای این گونه سرشماری مناسب و گویا است، زیرا از کسانی که وظیفه به آنها سپرده شده، می خواهد که سر کسانی که می شمارند را بالا نگه. هر نفر با قد افراشته بایستد و بداند که نزد خدا مورد محبت، عزیز و خاص هستند و فقط یک شماره و عددی در میان هزاران و میلیون ها نیستند.

آیه ای درخشان در مزامیر ۱۴۷ هست که ما هر صبح در دعای خود می خوانیم: "او ستارگان را شمارش می کند و هر یک را به نام می خواند." یک نام، نشانه ی یگانه بودن است. نام های دستجمعی، افراد را در یک گروه می گذارند؛ نام های خاص آنها را به عنوان فرد متمایز می کنند. ما فقط به آنچه ارزش بگذاریم، نام می دهیم (یکی از فجعترین رفتارهای انسان زدایی در اردوگاه های مرگ نازی انجام شد: تازه واردها، هرگز به نام خوانده نمی شدند، بلکه به آنها

شماره ای داده و روی پوستشان خالکوبی می شد.) خدا حتی به ستارگان نام می دهد، چه رسد به انسان ها که آنان را به صورت و شباهت خود آفریده است. خدا سرشماری می کند تا به ما نشان دهد که هر یک از ما اهمیت داریم، زیرا افراد هستیم و نه توده های مردم. خدا به نیرومندترین شکلی که بشر تا کنون دیده از راه اطمینان بخشیدن به ما که هر یک از عشق خاص، بی قید و شرط و بی اندازه ای او برخورداریم، "سرهای ما را بالامی گیرد".

این است طبیعت سرشماری در سفر اعداد (بمیدبار). وقتی بنی اسرائیل آماده ی تبدیل به جامعه ای دارای محراب همچون خانه ی دیدنی حضور الهی در مرکزیت خود شدند، می بایست به یاد می آوردند که قرار است پیشقراولان نظم اجتماعی نوین و انقلابی بشوند که تعریف مشهور آن را زخریای نبی هنگامی که مردم آماده ی بازسازی معبد ویران می شدند، بیان کرد:

خداوند می گوید: نه با عظمتم و نه با قدرتم، بلکه با روح خود.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیرین دخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



[www.RabbiSacks.org](http://www.RabbiSacks.org)     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • [info@rabbisacks.org](mailto:info@rabbisacks.org)

© Rabbi Sacks • All rights reserved